

**نویسنده:** صنم ناراگی اندرلینی (Sanam Naraghi Anderlini)

**منبع و تاریخ نشر:** کمان دریم « 2022-09-07 ».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

---

## آنچه در افغانستان اتفاق افتاد در افغانستان نمی ماند

### **What Happened in Afghanistan Isn't Staying in Afghanistan**

برای جلوگیری از تبدیل شدن جنگ ابدی به جنگ برای همیشه، به جای مسابقه تسلیحاتی و هزینه های دفاعی تریلیون دلاری، اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که از اصول حقوق بشر جهانی، عدالت و کثرت گرایی دفاع کنیم و به آن عمل کنیم.

**To prevent the forever war turning into war forever, instead of an arms race and trillion-dollar defense spending, now more than ever we need to stand for and practice the principles of universal human rights, justice, and pluralism.**



زنان در مراسم جشن اولین سالگرد بازگشت طالبان به قدرت در 15 اوت 2022 در کابل، افغانستان، در خیابان قدم می زنند. (عکس: نوا جمشیدی/گتی ایماژ)

\*\*\*\*\*

در ماه اوت گذشته، ایالات متحده به اشغال 20 ساله خود در افغانستان با عقب نشینی گسترده نظامی پایان داد. کاخ سفید از همان ابتدا یک روایت گلگون ویا لعل فام را تبلیغ کرد زیرا پرزیدنت **بایدن** ادعا کرد که این "بزرگترین حمل و نقل هوایی در تاریخ" بود، آنطوری که یک انگلیسی با این تا بید که **بوریس جانسون** نیز، 200 گربه و سگ افغان را از آن کشور تخلیه ویا بیرون کرد بر همین حال تعداد بیشماری از مردان و به ویژه زنان افغان - که جان خود را به خطر انداخته بودند تا افسران پلیس و ارتش، قاضی، مترجم، گزارشگر، صلح ساز و مدافع حقوق بشر با شدند، پشت سر گذاشته شد. نا دیده گرفته شد.

هیچ اشاره ای به مسئولیت ایالات متحده در دامن زدن به جنگ، جسارت بخشیدن به طالبان، غنی سازی پیمانکاران و شرکت های تسلیحاتی دولتی ایالات متحده، یا هدر دادن پول مالیات دهندگان صورت نه گرفت.

با این عقب نشینی، دولت امیدوار بود که «جنگ همیشگی» را پایان دهد، با این فرض که قرار دادن این قسمت در آینه دید عقب آمریکا، «آنچه در افغانستان اتفاق افتاد، در افغانستان باقی می ماند ویا که به فراموشی سپرده می شود.»

اما فرضیات واقعیت نیستند. سالها قبل از عقب نشینی، زنان افغان و ما که در سطح بین المللی کار می کردیم، نسبت به قصد ویا نیت طالبان و پیامدهای آن هشدار داده بودیم. در حالی که اندیشکده های واشنگتن بحث را در قالب های دوتایی ساده ای مبنی بر حمایت یا مخالفت با ادامه حضور نظامی ایالات متحده، به منظور تامین امنیت و برقراری صلح و حمایت از حقوق زنان را مطرح کردند، ما معتقد بودیم که عقب نشینی نظامی با دید به عنوان بخشی از یک دیدگاه سیاسی فراگیر و یک استراتژی دیپلماتیک انجام شود. ما بارها خواستار مذاکره برای رسیدگی به حقوق زنان و حمایت از غیرنظامیان و شامل جامعه مدنی افغانستان، به ویژه زنان و جوانان آن شدیم تا بتوانند مستقیماً با طالبان صحبت کنند. **زلمی خلیل زاد**، فرستاده ایالات متحده، بارها این تماس را با سنگ تمام یادآور سنگی گذاشت.

### جنگ ابدی که به پایان نرسیده است

یک سال در هشدارها محقق یا معلوم شده است. که طالبان زنان را از کار و دختران را از تحصیل منع کرده است و همچنان به هدف قرار دادن ویا برطرف کردن کارمندان دولت سابق و گروه های اقلیت ادامه می دهند. بدتر از آن، تصمیم ایالات متحده برای مسدود کردن **7 میلیارد** دلار از دارایی های ملی افغانستان و اعمال تحریم ها، جمعیت بیشتری از افغان ها را فقیر کرده است. در ماه جنوری، رئیس جمهور **بایدن** گفت: "من عذرخواهی نمی کنم." او در ماه فوریه، با اختصاص نیمی از دارایی های مسدود شده ملی افغان را برای حل و فصل دعوی گروهی از خانواده های 11 سپتا میر در ضدیت علیه طالبان، ضروری به این جرات اضافه کرد.

در همین حال، ریاکاری ویا نفاق در بین طالبان نسبت به هرقت دیگر اکنون آشکارتر است. تحقیر نفوذ غرب، و در ضمن درخواست کمک از خارجی ها، استفاده از ابزار ویا وسایل رسانه های اجتماعی غربی، از هواپیماها و جت های خصوصی و تسلیحات باقی مانده از پنتاگون در حالی که ایندولوژی افراطی خود را نیز دنبال می کنند که با خواسته های جهان معاصر سازگار نیست و به دروغ ادعا می کند که حذف زنان از زندگی عمومی ویا عدم حضور زنان در اجتماع یکی از رکن های اسلام و شریعت است.

با این حال، نه واشنگتن و نه هیچ کشور **نا تو** دیگری اشتها یا علاقه ای برای تأمل در مورد چگونگی و چرایی این فاجعه قابل اجتناب نداشته اند. واشنگتن همچنان روایت را می چرخاند: **ترامپ** در مورد شرایط با طالبان مذاکره کرد و **بایدن** نتوانست از آنها چشم پوشی کند. افغانستان کشوری فاسد است که با خودش جنگ دارد. ایالات متحده یک تریلیون دلار برای کمک هزینه کرد و اکنون در حال ارائه کمک های بشردوستانه است. هیچ اشاره ای به مسئولیت ایالات متحده در دامن زدن به جنگ، جسارت

بخشیدن به طالبان، غنی سازی پیمانکاران و شرکت های تسلیحاتی دولتی ایالات متحده، یا هر دادن پول مالیات دهندگان به شرح جزئیات در گزارش سالانه SIGAR ایالات متحده وجود ندارد. هنوز هیچ تلاشی برای گنجاندن زنان افغان در گفت و گوهای بشردوستانه و امنیتی کنونی و یا تخلیه بیشتر افراد مورد تهدید صورت نگرفته است.

## آنچه در افغانستان اتفاق می افتد در آنجا باقی نمی ماند

در همین حال، همانطور که پیش بینی می شد، آنچه در افغانستان اتفاق افتاد، جهان را تحت تأثیر قرار داده است. جنگ ایالات متحده علیه طالبان یک جنگ نامتقارن کلاسیک بود. طالبان - به عنوان یک افراطی ایدئولوژیک - شکست **دیوید** «دوهمین پادشاه اسرائیل» از **جالوت** «غول فلسطینی» پر قدرت اما غیر متمرکز **نا تو**، باعث سه تغییر ژئوپلیتیکی تکنیکی مرتبط با یکدیگر شد: تجدید حیات افراط گرایی خشونت آمیز فراملی، ظهور اقتدارگرایی مبتنی بر دولت، و نابودی بیشتر چندجانبه گرایی و هنجارهای حقوق بشر این پایان جنگ ابدی نیست، بلکه مقدمه و منادی عصر جدید و تاریک تر در سطح جهانی است.

**نخست**، پیروزی طالبان جان تازه ای به جنبش های افراطی خشونت آمیز فراملی داد که به سلاح های ایمان، نژاد و ناسیونالیسم قومی در سراسر جهان می پردازند. جنبش های به اصطلاح جهادی که هویت اسلام گرایانه را مسلح می کنند یا که خود را به آن اراسته میکنند، مورد تشویق و الهام گرفتن طالبان هستند. ویاکه موجب میگردند آنها عضله یا توان جدیدی را نشان می دهند که به وضوح در حملات به زنان و دختران در جاهای دیگر مانند فیلیپین که در آن قانون تصویب شده برای منع ازدواج کودکان توسط رهبران مذهبی اسلامی افراطی که به حکومت طالبان اشاره می کنند، به چالش کشیده می شود، مشهود است. آنها با ادعای پیروی از ازدواج کودکان با قوانین اسلامی، خواستار رفع این ممنوعیت هستند. این یک مورد مجزا نیست و بسیار نگران کننده است.

**دولت بایدن** چراغ سبز جهانی را در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت روشن کرد. در حالی که زنان و دختران افغان بیشترین تأثیر را دارند، زنان در سراسر جهان بهای این افراط گرایی را می پردازند.

**محرک دوم**، ظهور اقتدارگرایی مبتنی بر دولت بود. از جنگ **پوتین** با اوکراین گرفته تا خواسته های **اردوغان** در ناتو، رهبرانی که تمایلات دیکتاتوری دارند جسورتر شده اند. توهم قدرت و وحدت که زمانی توسط ایالات متحده و متحدان غربی آن پیش بینی شده بود، از بین رفته است. جنگ اوکراین ممکن است برخی از آسیب ها را ترمیم کرده باشد، اما اعتبار بین المللی ایالات متحده از بین رفته است.

ظهور اقتدارگرایی بیشتر دموکراسی و حقوق را در سطح جهانی تضعیف کرده است. مسلماً، 11 سپتامبر و پس از آن دوران «جنگ علیه تروریسم» که باعث اشغال افغانستان و عراق شد، قبلاً زوال حقوق بشر را تسریع کرده بود. بسیاری از کشورها تحت عنوان مقابله با تروریسم، جامعه مدنی، حقوق بشر را تعطیل کرده اند و دستگاه های امنیتی خود را تقویت کرده اند. اما تصمیم ایالات متحده برای دور زدن دولت منتخب افغانستان برای مذاکره و انطباق با خواسته های طالبان آشکارا منتخب، حتی زمانی که آنها کلینیک ها و مدارس زایمان را بمباران کردند، سیگنال روشنی را به جهان ارسال کرد: ایالات متحده به گفته خود به اصول نمی ایستند.

خرد یا تکه تکه کردن آنچه از نظم مبتنی بر قاعده، چندجانبه گرایی و هنجارها و نظام های حقوق بشری شکننده باقی مانده، **سومین** و آخرین ضربه است. این نیز به «جنگ علیه تروریسم» و مصونیت از مجازاتی که نیروهای ایالات متحده و **نا تو** با آن غیرنظامیان را در افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن کشتند و قوانین و هنجارهای بین المللی را محاصره کردند، باز می گردد. اما رسیدگی به افغانستان - از ماهیت غیرنماینده مذاکرات دوحه گرفته تا رفتار با افغان ها - به ویژه زنان افغان - در طول و پس از خروج ماه اوت، سطح را کاهش داد.

کدام رهبر جهانی می تواند به طور قابل اعتمادی ادعا کند که از حقوق زنان یا سیاست خارجی فمینیستی دفاع می کند، در حالی که تعداد کمی از افسران پلیس، وکلا و فعالان حقوق زن افغان کمک کرده اند؟ در واقع، با نادیده گرفتن زنان افغان، آمریکا نه تنها در افغانستان شکست خورد، بلکه خود را در سطح جهانی کاهش داد و به زوال نظم جهانی متزلزل پس از جنگ سرعت بخشید.

## حالا که چی؟

از همه مهمتر، ما باید با زنان و مردان افغان که در معرض خطر هستند، درست عمل کنیم. قانونگذاران باید اسکان مجدد افغان هایی را که هنوز در کمپ های بشردوستانه ترانزیت به سر می برند، تسریع بخشند. دولت ها همچنین باید در فشار بر طالبان برای احیای حقوق و منع حملات انتقام جویانه متحد شوند. کشورهایهایی که با طالبان در مورد کمک های بشردوستانه، امنیتی، اقتصادی یا سیاسی گفتگو می کنند، باید زنان را در تیم های دیپلماتیک خود بگنجانند و از مشارکت هیئت های مستقل زنان افغان اطمینان حاصل کنند. طالبان ممکن است زنان را از زندگی عمومی پاک کنند، نهادها و دولت های ما نباید از آنها تقلید کنند یا به معیارهای آنها فرو روند. ارسال کمک های بشردوستانه و توسعه ای باید با توجه به جنسیت و شامل زنان افغان باشد.

ما همچنین باید به درخواست های زنان در سایر مناطق جنگی مانند یمن و لیبی توجه کنیم و از اشتباهات افغانستان اجتناب کنیم. ما همچنین به راه اندازی مجدد استراتژیک و ژئوپلیتیکی نیاز داریم. در جنگ سرد گذشته، ایالات متحده سهم خود را از جنگ های نیابتی برانگیخت و در مقابل بسیاری از دیکتاتورها قرار گرفت، اما قدرت سخت دست به دست هم داد تا آرمان های دموکراسی، پلورالیسم و حقوق برابر را تقویت کند. این آرزوها اکنون زنده است. از سودان، میانمار و فلسطین، تا افغانستان که بیش از 62 درصد از جمعیت آن زیر 25 سال هستند، جوانان و زنان روزانه جان خود را به خطر می اندازند تا این ارزش ها را زنده کنند. آنها به همبستگی نیاز دارند.

روسیه، چین، قدرت های در حال ظهور مانند ترکیه، برزیل یا کشورهای عربی خلیج فارس با روکش مدرنیته خود در تضاد با آنها هستند. اعتبار ایالات متحده و سایر دموکراسی ها ممکن است به شدت خدشه دار شود، اما در مواجهه با افزایش افراط گرایی و استبداد، باید به یاد داشته باشیم که نقاط قوت ما کجاست.

برای جلوگیری از تبدیل شدن جنگ ابدی به جنگ برای همیشه، به جای مسابقه تسلیحاتی و هزینه های دفاعی تریلیون دلاری، اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که از اصول حقوق بشر جهانی، عدالت و کثرت گرایی دفاع کنیم و به آن عمل کنیم. این ساده لوحی نیست. همچنین کمک به افغان ها یک عمل خیرخواهانه نیست. همانطور که یکی از سربازان سابق به من گفت، این یک عمل درستکاری برای نجات روح آمریکا و دیگر کشورهای هنوز دموکراتیک است.

## چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

صنم نراقی اندرلینی، MBE، بنیانگذار/مدیر عامل شبکه بین المللی اقدام جامعه مدنی (ICAN) و مدیر مرکز LSE برای زنان، صلح و امنیت است. او در سال 2020 به دلیل مشارکتش موفق به دریافت جایزه MBE (فهرست افتخارات سال نوی ملکه) شد.

-----  
**با تقدیم احترامات (08-09-2022)**